

### گفت‌وگو

عبدالمحمد طاهری، کارشناس مسائل افغانستان:

## روابط ایران و افغانستان به بازسازی نیاز دارد

عبدالمحمد طاهری، کارشناس مسائل افغانستان، در گفت‌وگو با ایرنا با اشاره به سفر وزیر خارجه ایران به کابل با تأکید بر اهمیت رابطه با افغانستان می‌گوید: روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان دو کشور نیاز به بازسازی دارد. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، به‌زودی به منظور گفت‌وگو با هیئت حاکمه سرپرستی افغانستان به کابل سفر خواهد کرد. در نظر است در این سفر یک‌روزه که نخستین سفر وزیر خارجه به کابل از زمان حضور در این جایگاه است، طیفی از موضوعات و مباحث مورد علاقه یا نگرانی دو طرف مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به‌منظور بررسی اهداف این سفر و مباحثی که احتمالاً مورد بحث و بررسی دو طرف قرار خواهد گرفت با عبدالمحمد طاهری، کارشناس مسائل افغانستان گفت‌وگو کردیم:

**❖** وزیر امور خارجه برای نخستین بار در دولت چهاردهم عازم افغانستان خواهد بود. با توجه به اینکه از زمان روی کار آمدن دولت طالبان، تهران چالش‌های متعددی از جمله حقایبه، موضوعات امنیتی و بحث مهاجران را با هیئت حاکمه سرپرستی افغانستان تجربه کرده است، فکر می‌کنید دستور کار این سفر باید چه مواردی را شامل شود؟

به طور معمول زمانی که سفری دیپلماتیک در سطح وزرای امور خارجه به شکل دولت‌های رسمی صورت می‌گیرد، تقاضنامه‌هایی از طریق سفارتخانه‌ها در هماهنگی با وزارت امور خارجه کشور میزبان آماده می‌شود. بااین حال نمی‌دانم دولت فعلی افغانستان تا چه میزان توانایی فعالیت‌های دیپلماتیک داشته باشد. محور اصلی گفت‌وگوهای ما با دولت‌های افغانستان که همیشه وجود داشته و کماکان نیز وجود دارد، نخست مسئله امنیت مرزهاست که به جهت عدم کنترل مرز مشترک از سوی حکومت افغانستان، شاهد ورود غیرقانونی شهروندان افغانستان هستیم. این موضوع قطعاً یکی از سوز‌های گفت‌وگوی وزیر خارجه در کابل خواهد بود. مسئله دوم، موضوع حقایبه و مسئله سوم میادلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که متأسفانه این مورد از زمان روی کار آمدن طالبان به فراموشی سپرده شده است و متأسفم که هنوز دولتمردان افغانستان متوجه اهمیت این موضوع نشده‌اند. البته این مسئله اختلاف قدیمی میان ایران و پشتون‌ها بوده است. آنها متأسفانه نسبت به عملکرد جمهوری اسلامی ایران ذهنیت منفی دارند. هرچند ما در دوران ریاست‌جمهوری آقای کرزی، دوره اول و دوم که هشت سال بود، همه نوع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را حتی در مناطق سنی‌نشین این کشور علاوه‌بر مناطق شیعه‌نشین داشتیم و به معنای واقعی تفاوتی میان مناطق قائل نبودیم. البته شیعیان در غرب کابل همیشه مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند و به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران هم نگاه ویژه‌تری به آن مناطق داشت. با وجود این، مناطق سنی‌نشینی هم که دارای فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بودند مانند قندهار، هلمند، غزنی و پکتیا نیز از خدمات جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند می‌شدند. بااین حال همیشه آن نگاه منفی پشتون‌ها نسبت به اقدامات ایران در افغانستان به قوت خود باقی بوده است. امیدوارم ما بتوانیم با حضور پررنگ آقای عراقچی، وزیر محترم خارجه، روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌مان را مورد بازسازی مجدد قرار بدهیم، چراکه به هر حال افغانستان برای ما حائز اهمیت است و حالا که آمریکایی‌ها هم حضور ندارند، این خلأ را هیچ کشوری بهتر از جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشتراکات فرهنگی، زبانی و دینی نمی‌تواند پر کند.

**❖** در چند سال اخیر به خصوص پس از بازگشت طالبان به قدرت، مسئله حقایبه ایران به یکی از مهم‌ترین چالش‌ها تبدیل شده است، فکر می‌کنید در این سفر تا چه اندازه می‌توان به تفاهت در این خصوص دست یافت؟

مسئله حقایبه، مسئله‌ای بسیار جدی است که من احساس می‌کنم زمان آن فرارسیده تا در برخی موارد از اهرم فشار نیز در قبال حکومت طالبان استفاده شود تا حق مردم سیستان‌وپلوپوستان و شهرهای شرقی ایران را ببرد؛ازند؛ چراکه آنها در مسیر دیپلماتیک حاضر نیستند توافق‌های میان دو کشور را اجرا کنند. این موضوع نیز حتماً باید در اولویت صحبت‌های وزیر محترم خارجه باشد.

مسئله سوم، امنیت مرز مشترک است. ناتوانی طالبان در اعمال قدرت در مرزهای مشترک منجر به ورود موج عظیمی از پناهندگان به صورت غیرقانونی به سمت ایران شده که مشکلات عدیده‌ای را برای ایران ایجاد کرده است.

در همه این زمینه‌های مورد اختلاف باید بگویم که حکومت افغانستان باید ببیند که فارغ از نوع نگاه طالبان، تنها کشوری که می‌تواند حافظ منافع مردم افغانستان باشد، جمهوری اسلامی ایران است. حکومت طالبان باید قبال ایران به عنوان همسایه مهم خود یک دیپلماسی روشن را مد نظر قرار دهد تا اعتماد کمرنگ‌شده یا ازیمان‌رفته میان دو طرف ترمیم شود. متأسفانه تا امروز شاهد بودیم که طرف افغانستانی تعهدات خود به ایران را به فراموشی می‌سپارد که به نظر می‌رسد باید برای این موضوع چاره‌اندیشی شود.

**❖** بیش از این آقای عراقچی به عنوان معاون سیاسی وقت وزارت امور خارجه یکپکر امنای توافقی جامع با افغانستان بودند که تمامی موضوعات مورد دغدغه طرفین را دربرمی‌گرفت. آیا چنین توافقی قابلیت مذاکره با حکومت طالبان را دارد؟

این مسئله بسیار مهمی است. ذهنیت من نسبت به آقای اشرف غنی منفی بود. هرچند من نیروی رسمی وزارت امور خارجه نبودم اما در مدت حضورم در افغانستان متوجه شدم که اشرف غنی ذهنیت درستی از جمهوری اسلامی ایران ندارد که آن هم از مسئله پشتونیسم سرچشمه می‌گرفت. بنابراین در صورت توافق درباره یک توافق جامع هم بعید می‌دانم که دولت پیشین آن را به‌درستی اجرا می‌کرد. اکنون نیز در پی تحولات افغانستان، این ذهنیت پشتونیسم گسترده‌تر شده است. درحال حاضر برای شکل‌گیری یک توافق باید موضوع ضمانت اجرا نیز مورد تأکید قرار بگیرد؛ چراکه در همین مقطع نیز شاهد عدم اجرای توافق‌های پیشین از سوی حکومت‌های مختلف افغانستان هستیم. هیئت حاکمه سرپرستی افغانستان می‌تواند به دنبال به رسمیت شناخته‌شدن از سوی سایر کشورهاست، اول باید پایبندی خود به توافق‌های دوجانبه و بین‌المللی را نشان دهد. متأسفانه حکومت سرپرستی طالبان به هیچ‌کدام از این سه حوزه‌ای که پیش‌تر به آنها اشاره کردم وقعی نگذاشتند. باید از دیپلمات‌های کارکشته ایرانی که در میز افغانستان وزارت خارجه اطلاعات جامعی از این کشور دارند استفاده شود تا این بار در حضور وزیر امور خارجه تمامی قصوراتی که از سمت این کشور صورت گرفته به حکومت سرپرستی یادآوری و نسبت به پاسخ‌گوکردن این حکومت تمهیداتی اندیشیده شود.

**❖** اخیراً شاهد تحولاتی درباره کابل در دستگاه دیپلماسی بودیم و سرپرست سفارت ایران در این کشور تغییر کرد. ارزیابی شما از این تحول جدید چیست؟

من بسیار بسیار از این تحول جدید خوشحال شدم، چراکه آقای یکدلی را از نزدیک می‌شناسم و می‌دانم که بسیار توانمند هستند و دیپلماسی را می‌شناسند. انتخاب ایشان نشان می‌دهد موضوع افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. مسئله افغانستان یک مسئله بسیار جدی است و کارشناسان زنده و بسیار عمیق و مجرب نیز باید مسئولیت آن را برعهده داشته باشند.

دوئالد ترامپ از ۲۰ ژانویه، دومین و آخرین دوره ریاست‌جمهوری خود در ایالات متحده آمریکا را آغاز کرد و

چنانچه انتظار می‌رفت، نخستین گام‌های خود را با اعلام فرامین اجرایی بر تعداد برداشت تا نشان دهد او در اندیشه ناسیونالیستی درون‌گرایی تا حدودی انزواگرایانه خویش مصمم است.

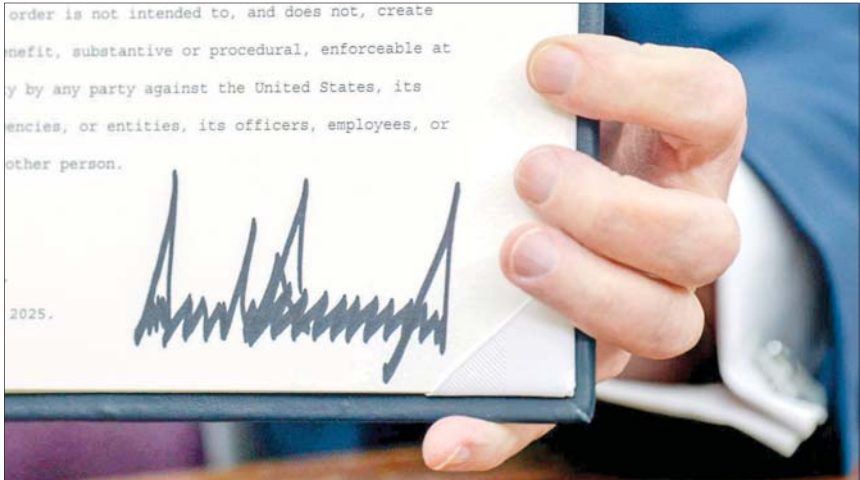
پیام ترامپ به اجلاس داووس نیز تأکیدی بر همین رویکرد است که جهان صنعتی و به طور مشخص اروپا در یک دوراهی انتقال مرکز تولید به آمریکا یا سیاست‌های تعرفه از نسوی این کشور قرار دارد؛ تعرفه‌هایی که هم در درجه نخست و در بدو ورود کالا به آمریکا با وضع آن، موجب افزایش دارایی‌های خزانه‌داری دولت فدرال می‌شود و هم پس از اعمال تعرفه و ورود کالا، قدرت رقابت‌پذیری آن را در مقام قیاس با کالای آمریکایی به حداقل ممکن می‌رساند.

از این منظر، در دکتین سیاست خارجی ترامپ نه تضعیف بیش‌ازحد اروپا دنبال می‌شود و نه تقویت نقش اروپای واحد در سطح سیستمی. ترامپ به دنبال وابستگی راهبردی حداکثری اروپا به آمریکا، چه در حوزه تأمین انرژی و چه در حوزه امنیت و کالاهای اساسی است. بنابراین می‌توان انتظار داشت ترامپ با تحقق سیاست‌هایی مانند راهگنر «عرب‌مد» به مثابه راهبردی‌ترین مسیرهای ارتباط دریایی و نیز دریایی-زمینی، از آسیای جنوبی (هند) تا اروپا نظمی نداشته باشد؛ چراکه در صورت تحقق این گریدهورای استراتژیک، وابستگی اروپا به انرژی روسیه و نیز آمریکا به پایان رسیده و انرژی در شکلی باثبات احتمالاً ازآران‌تر را در اختیار اروپا قرار خواهد داد که نتیجه آن، هرچه بیشتر قدرتمندتر شدن اروپاست.

این سناریو علاوه‌بر ترامپ، مخالف جدی دیگری نیز خواهد داشت؛ بوئین.

بوئین این اقبال را دارد که حضور ترامپ در کاخ سفید بتواند دغدغه‌های او در باره گسترش ناتو به سمت شرق را کاهش دهد؛ چراکه ترامپ بر این باور است که ناتوی اروپایی باید خود در زمینه تأمین نیازمندی‌های خود توانا باشد و دلیلی برای هرزنه‌کرد آمریکا برای حفظ امنیت اروپا وجود ندارد. سیاست پان‌امریکیستی ترامپ یک اصل بنیادین دارد و آن به حداقل رساندن هزینه‌های سیاست‌های جهان‌وطن‌گرایانه‌ای است که نتیجه آن انباشت بدهی‌های آمریکا، افزایش هزینه‌های دولت در بیرون از خاک این کشور و به‌صرفه تأمین شود. چنانچه گریدهور شمال به جنوب در ایران هرچه زودتر به فرجام برسد؛ ایران کوتاه‌ترین، امن‌ترین و پایدارترین مسیر برای تأمین انرژی مورد نیاز هند است.

در وضعیتی مشابه، چین نیز برای مقابله با جنگ تجاری با آمریکا نیازمند تقویت اروپاست. برای چین اتصال به اروپا مسیر کوتاه‌تر از ایران –خواه با گذر از مسیر افغانستان و خواه مسیر پاکستان- وجود نخواهد داشت که گریدهور ایرانی شرق به غرب می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد. اما این خواست



# ترامپ‌یسم در برابر گلوبالیسم

### وضعیت نیروها درون تعارض تشدیدیابنده ناسیونالیستی-گلوبالیستی



محمدمحمودی‌کیا

**عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی**

دیگر به عرصه سیاست جهانی بازگشته و خوش‌بینی‌های طرفداران جهانی‌سازی و همکاری‌های مشترک جهانی را به ایده گلوبالیستی دیگر نمی‌تواند چشم به کمک‌های سخاوتمندانه پیشین آمریکا داشته باشد.

درست از همین منظر است که ترامپ به اعضای اروپایی ناتو توصیه می‌کند دیگر منتظر کمک‌های آمریکا برای فیصله‌بخشیدن به بحران‌های خود نباشند و تا پنج درصد از تولید خالص داخلی خود را صرف امنیت خود یا امنیت دسته‌جمعی در برابر تهدیدات بالفعل و بالقوه خود کنند.

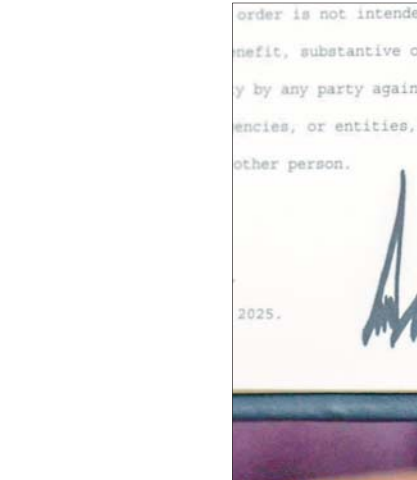
این سیاست در هماهنگی با موقعیت ژئوپلیتیکی آمریکا قرار دارد. آمریکا در منطقه‌ای منفصل از دیگر جغرافیای تنش جاری جهان قرار دارد و بزرگی قدرت او و نقش و جایگاه هژمونس در نظم جهانی، او را در برابر تهدیدات جاری در منطقه قاره آمریکا به شکل درخور توجهی مصون می‌کند. بنابراین تهدید اصلی برای آمریکا به نظر ترامپ، به مهار چین بازمی‌گردد.

در نقطه مقابل، چین در منطق ترامپ باید به دنبال راهکارهایی برای کم‌ترکردن سیاست تعرفه از سوی آمریکا یا تهدید درباره آبراه پاناما باشد. بنابراین می‌توان انتظار داشت چین نقش فعالانه‌تری درباره محدوده تعارض با آمریکا یعنی غرب و

خاورمیانه داشته باشد.

هند، دیگر بازیگر مهم و درحال رشد جهانی، نیز که در بلوک آمریکایی تعریف می‌شود و عمده‌ترین رقیب منطقه‌ای چین به شمار می‌رود، به بازارهای جدید نیاز دارد که راهگنر آی‌مک (India–MiddleEast–Europe Corridor) نقشی اساسی در این زمینه ایفا می‌کند که با روی کارآمدن ترامپ به دلیل آنچه توضیح داده شد، تحقق این پروژه با موانع عده‌های مواجه خواهد بود. اما نیاز هند به انرژی از طریق روسیه می‌تواند به شکل پایدار، آرزان و به‌صرفه تأمین شود. چنانچه گریدهور شمال به جنوب در ایران هرچه زودتر به فرجام برسد؛ ایران کوتاه‌ترین، امن‌ترین و پایدارترین مسیر برای تأمین انرژی مورد نیاز هند است.

در وضعیتی مشابه، چین نیز برای مقابله با جنگ تجاری با آمریکا نیازمند تقویت اروپاست. برای چین اتصال به اروپا مسیر کوتاه‌تر از ایران –خواه با گذر از مسیر افغانستان و خواه مسیر پاکستان- وجود نخواهد داشت که گریدهور ایرانی شرق به غرب می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد. اما این خواست



# ترامپ‌یسم در برابر گلوبالیسم

### وضعیت نیروها درون تعارض تشدیدیابنده ناسیونالیستی-گلوبالیستی

چین برای تقویت اروپا مانع جدی بر سر راه خود دارد: تضاد منافع اروپایی با روسیه. کرملین به بازار بزرگ مصرف انرژی به نام اروپا نیاز دارد و نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند یا آن را به رقیب دیگری واگذارد. چنانچه اشاره شد، جهان معاصر، جهانی درگیر در بازی‌های پیچیده از منافع و تهدیدات فوری است که روزه‌به‌روز بر پیچیدگی‌های آن افزوده خواهد شد.

به نظر نگارنده، تحلیل ژئوپلیتیکی از آینده سیاست جهانی بیانگر یک واقعیت است و آن بازگشت رئالیسم در عریان‌ترین شکل ممکن به عرصه تحولات جهانی و ایران در میانه مسیر مهمی از تحولات پیش‌رو قرار دارد که این امر، اهمیت تعمیق نگاه راهبردی در سیاست‌گذاری و نیز کنش سیاست خارجی را بیش از هر زمان دیگر برجسته می‌کند.

ازاین‌رو لازم است از خوش‌بینی‌های افراطی و نیز بدبینی‌های غیرواقعی به طور جد اجتناب کرد و نگاهی واقع‌بینانه به خود، ظرفیت‌ها، منابع و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای فرارو داشته باشیم و هوشمندانه درباره توازن قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی عمل کنیم.

باید دقت شود در چه برهه‌ای از زمان قرار داریم و چه آینده‌ای فراروی ما قرار دارد. آنتونیو گرامشی به‌درستی وضعیت امروز نظم جهانی را به ما توضیح می‌دهد که هنگامی که نظم پیشین به‌کام مرگ درافتاده و نظم درحال شکل‌گیری از زایش خود عاجز است، درست در همین مقطع از زمان فوآنی از بیماری‌های مزمن را شاهد خواهیم بود و از یک منظر جهان امروز در میانه مرگ و زایش قرار دارد و این تأخیر در تولدیاقتن نظم جدید و طولانی‌شدن آن، به معنای افزایش درخور توجه و تصاعدی حجم چالش‌های جهان فرارو خواهد بود.

در مجموع با توجه به محدودیت در تحلیل‌های این‌چنینی که فرصت بررسی جامع تمام اجزای پدیده‌ها فراهم نیست و حسب آنچه به اجرامی در توصیف وضعیت قابل انتظار از مؤلفه‌های نظم سیستمی اشاره شد، به نظر می‌رسد اصول بنیادین رئالیستی بقا و خودیاری، بیش از هر زمان دیگر این مهم را به ما یادآور می‌شود که عامل اصلی مانایی در سطح نظم سیستمی، تقویت پایه‌های قدرت ملی در تمام ساحات اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و زیست‌محیطی است؛ هرچند این مطلب به معنای نفی اصل همکاری نبوده و صرفاً تأکیدی است بر تغییر در شکل همکاری‌ها یا الگوهای شکل‌دهنده به آن. بنابراین لازم است به این حقیقت توجه کنیم که تنها الگوی پایدار از همکاری و اتئلاف، صرفاً بر مدار منافع ملی سامان می‌یابد و در جهان سیاست رئال هیچ دوستی و دشمنی پایداری خارج از منافع ملی تعریف نمی‌شود.

آنچه در نتیجه‌گیری اشاره شد، تأکیدی دوباره بر منطق یا راهبرد رئالیسم هوشمند بود که پیش‌تر در یادداشتی در ایضاح آن کشیده بودم.

## بدهی کلان وزارت بهداشت و بحران نقدینگی در شرکت‌های تجهیزات پزشکی

### علیرضائانی

شرکت‌ها در تأمین تجهیزات، بیمارستان‌ها ممکن است مجبور به استفاده از تجهیزات قدیمی‌تر و غیرکارآمدتر شوند که در نهایت کیفیت خدمات درمانی را کاهش خواهد داد.

در سطح کلان‌تر، بحران نقدینگی ناشی از این بدهی‌ها می‌تواند به رکود اقتصادی در بخش خصوصی منجر شود. این رکود شامل تعدیل نیرو، تعطیلی برخی واحدها و کاهش ظرفیت تولید و واردات است که به نوبه خود، عمق بحران را تشدید خواهد کرد. کاهش تولید و واردات نیز می‌تواند منجر به افزایش قیمت‌ها و کاهش دسترسی به تجهیزات پزشکی در سراسر کشور شود که این امر فشار بیشتری بر سیستم بهداشت و درمان وارد خواهد کرد.

افزون بر این، یکی از ضوابط جالبی که وزارت بهداشت به شرکت‌های تجهیزات پزشکی تحمیل کرده، حکم می‌کند این شرکت‌ها باید بدون توجه به بدهی بیمارستان‌ها، خدمات خود را ارائه دهند. به عبارت دیگر، وزارت بهداشت به شرکت‌های تجهیزات پزشکی می‌گوید: «شما موظفید همچنان به بیمارستان‌های به‌کار خدمات دهید، حتی اگر آنها هزاران میلیارد تومان به شما بدهکار باشند». البته وزارت بهداشت برای هر خطای احتمالی در این زمینه، آماده برخورد با شرکت‌های «خطای» است. آیا قرار است این شرکت‌ها بعد از هر سرویس، فهرستی از بدهی‌های خود را در یک فایل اکسل بنویسند و روزی روزگاری، در صورت «کشفیاش‌های اقتصادی»، این بدهی‌ها را دریافت کنند؟ این روند عملاً درحال وقوع است. شاید اگر همین رویه در سیستم بانکی هم اعمال می‌شد، بانک‌ها مجبور می‌شدند به کسانی که وام‌های‌شان را پس نمی‌دهند، همچنان پول قرض بدهند. قطعاً در این صورت، اقتصاد کشور و به طرز شگفت‌آوری شکوفا می‌شد! اگرچه این قانون به ظاهر

### گزارش

### پشت پرده برجسته‌کردن

### نام ایران در کنار یمن

کارشناس مسائل سیاسی منطقه گفت: خروجی تحولات و اقدامات یمنی‌ها موجب شد اسرائیل احساس خطر کند و در این راستا رژیم صهیونیستی به هر ترتیب از وضعیت فعلی خرسند نیست.

جلال چراغی، کارشناس مسائل سیاسی منطقه، با اشاره به قرارگرفتن نام انصارالله یمن در فهرست تروریستی ایالات متحده اظهار کرد: دولت ترامپ دربراره خاورمیانه اعلام کرده که قرار است به جنگ‌ها پایان دهد اما مشخص نیست آیا او به منازعات و مخاصمات در سایر نقاط پایان می‌دهد یا خیر. بر همین اساس باید دید که‌کام عملی دولت ترامپ و جمهوری‌خواهان در قبال انصارالله یمن چگونه خواهد بود و اساساً اقدام عملی آنها چیست.

به نظر می‌رسد در تیم ترامپ افرادی وجود دارند که بیشترین هم‌خوانی و هم‌پوشانی را با اسرائیل دارند؛ بر همین اساس یک رابطه تنگاتنگ میان دولت دوم ترامپ و تانیا‌هو حس می‌شود. واقعیت این است که حملات انصارالله یمن به حمله‌های ایالات متحده و همچنین حمله به عمق اراضی اشغالی، نشان می‌دهد که انصارالله یمن نه‌تنها آمریکا، بلکه منافع متحدان آن در منطقه را هم زیر ذره‌بین دارد. به عنوان مثال کشورهایمانند مصر از حمایت آمریکا برخوردار بودند و حالا هم نخبگان ایالات متحده بر این عقیده هستند که به صورت کلی انصارالله یمن اقدام‌های خود علیه ناوهای آمریکا را انجام می‌دهد.

به گزارش ایلسا، او ادامه داد:

روند مذکور به جایی رسیده که حالا انصارالله یمن نه‌تنها در دریای سرخ و خلیج عدن، بلکه فراتر از آن هم نفوذ خود را افزایش داده، در این مسیر نه‌تنها ناوهای ایالات متحده هدف قرار گرفتند، بلکه خروجی این تحولات و اقدامات یمنی‌ها موجب شد اسرائیل هم احساس خطر کند. در این راستا رژیم صهیونیستی به هر ترتیب از وضعیت فعلی خرسند نیست و در نهایت سعی می‌کند بتواند آمریکایی‌ها را همراه با خود علیه یمن بسنج کند. این درحالی است که عموماً سخنان ترامپ را باید به مثابه شعارهای سیاسی دانست؛ چراکه تا این لحظه هیچ اقدام عملیاتی در قبال یمن یا سایر پرورنده‌ها مطرح نشده و صرفاً ما شاهد یک‌سری از اقدام‌ها و مواضع انتخاباتی هستیم. از منظر دیگر باید توجه داشت که روابط یمن و ایران بسیار مهم و کلیدی قلمداد می‌شود، اما مسئله اینجاست که اگر یمن تضعیف شود، در واقع ایران تضعیف شده است. این درحالی است که حملات اخیر ایالات متحده و انگلیس ندارد و عملاً انصارالله می‌تواند با شدت بیشتری با این مسائل مقابله کند.

این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: یمنی‌ها به لحاظ ایدئولوژی و همچنین اقداماتی که به آنها سپرده می‌شود، طی سال‌های اخیر به‌شدت خوب عمل کردند اما مسئله اینجاست که ایالات متحده و اسرائیل از وضعیت انصارالله و همچنین یمن شناخت خوبی ندارند و عملاً ایالات متحده به انضمام متحدان سستنی آن به دنبال آن هستند تا بتوانند در فضای رسانه‌ای یمنی‌ها را مترادف با یک جنبش تروریستی اعلام کنند و بر همین اساس سعی می‌کنند بتوانند فشار دیپلماتیک را بر یمن و انصارالله افزایش دهند و در نهایت این جریان را با مشکل روبه‌رو کنند.

او در پایان خاطرنشان کرد: اینکه دیده می‌شود نتانیا‌هو در سخنرانی‌های خود یا در ویدئوهای اخیر با زبان فارسی سخن می‌گوید، دقیقاً به این دلیل است که بتوانند علیه کشور ما یک موج روانی و بررسی دقیق‌تر راه‌حل‌های مناسب برای تسویه بدهی‌ها و بهبود روابط مالی میان وزارت بهداشت و شرکت‌های تجهیزات پزشکی ضروری است. در این میان با ارائه برنامه زمان‌بندی‌شده تسویه بدهی‌های معوق، نظارت بر وضعیت مالی مراکز درمانی، ایجاد سیستم‌های امتیازدهی بدهی مراکز براساس فرایند‌های اعتباربخشی بیمارستان‌ها، اصلاح سیاست‌ها و ضوابط قیمت‌گذاری کالا، تسهیل مکانیسم‌های تهاتر بدهی با دیگر بخش‌های دولت نظیر گمرک و تسویه بدهی‌های مالیاتی که تا پیش از این به شکل محدود و با بوروکراسی سنگین اداری به کار گرفته می‌شد و… می‌توان کمک شایانی به فعالان اقتصادی در این حوزه کرد. اگر وزارت بهداشت و نهادهای مربوطه بتوانند این چالش‌ها را به طور مؤثر حل کنند، ممکن است فضای جدیدی برای رشد و پایداری صنعت تجهیزات پزشکی ایجاد شود و شرایط درمانی کشور بهبود یابد.